یادداشت روز

وقتی شاخه زیتون زمین افتاد

«از شما تقاضا می‌کنم به مردم ما کمک کنید از تبعیدگاه اجباری خود که به وسیله فشار اسلحه، ظلم و ستم و بیداد به آنها تحمیل شده به میهن خویش باز گردیم... در موطن ملی خود آزادانه و با عزت زندگی کرده و از مزایای زندگی به عنوان ملتی واحد بهره‌مند شویم... از شما تقاضا می‌کنم، یاری می‌طلبم که مردم ما را به استقرار حاکمیت ملی و مستقل همراهی کنید. امروز من آمده‌ام با یک شاخه زیتون در یک دست و تفنگ رزمنده راه آزادی در دست دیگر، کاری نکنید که شاخه زیتون از دست من رها شود. نگذارید شاخه زیتون از دست من به زمین افتد. نگذارید شاخه زیتون از دست من به زمین افتد»؛ اینها جملات پایانی سخنرانی مفصل یاسر عرفات در نشست عمومی سازمان ملل سال ۱۳۵۳ است.

علی‌رغم نمایش کمیک عرفات، اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها بهتر از هر کس دیگری می‌دانستند که جلد اسلحه عرفات خالی است و میان دو دست این مرد فلسطینی فرقی نیست و اگر شاخه زیتونش بر زمین افتد هم اتفاقی نمی‌افتد. نهایتاً خم می‌شود و دوباره آن را برمی‌دارد و تکان می‌دهد. همین‌طور هم شد و این روند تسلیم و سازش در نهایت به قرارداد خفت‌بار اسلو رسید که خود سرآغاز دور تازه‌ای از تحقیر و تضییع حقوق فلسطینی‌ها شد.

سخنرانی عرفات در حالی انجام شد که رژیم اسرائیل یک سال قبل از آن، در چهارمین جنگ خود با اعراب (جنگ یوم کیپور ۱۹۷۳) نیز پیروز شده بود. تا آن زمان صهیونیست‌ها در جنگ ۱۹۴۸، جنگ کانال سوئز ۱۹۵۶، جنگ شش روزه ۱۹۶۷ و بالاخره جنگ یوم کیپور پیروز شده بودند و کار بجایی رسیده بود که حتی اعراب نیز باور کرده بودند ارتش اسرائیل شکست‌ناپذیر است. این تصور باعث شد تا نابودی رژیم جعلی اسرائیل به آرزویی محال و دست نیافتنی تبدیل شود و ایده مبارزه با آن کم کم جای خود را به پذیرش این رژیم به عنوان واقعیتی غیرقابل‌انکار و ایده مذاکره و سازش بدهد.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نقطه عطف و آغازین برگشتن ورق در پرونده فلسطین بود. در حالی که وادادگان و سازشکاران روز به روز و بیش از پیش در گرداب تسلیم فرو می‌رفتند، به موازات آن جریانی شکل گرفت که مقاومت را سرلوحه فکر و اقدام خود قرار داده و می‌دانست با شاخه زیتون نمی‌توان گله کفتار را رام کرد.

عقب‌نشینی نیروهای اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ اولین ثمره این نهال بود و البته تا تنومند شدن آن راهی دراز در پیش بود. جنگ ۳۳ روزه لبنان در سال ۲۰۰۶ نقطه عطفی در این میدان بود. هیمنه ارتش تا بن‌دندان مسلح اسرائیل به دست حزب‌الله در هم شکست و جهان اسلام برای نخستین‌بار طعم شیرین پیروزی در برابر صهیونیست‌ها را چشید. ارتش اسرائیل دیگر آن ارتش شکست‌ناپذیر و همیشه پیروز نبود. خاورمیانه جدید متولد شده بود اما نه آن خاورمیانه‌ای که آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها نقشه‌اش را کشیده بود و انتظارش را داشتند. دو سال بعد صهیونیست‌ها به غزه یورش بردند و این‌بار نوبت فلسطینی‌های غزه بود که در جنگی ۲۲ روزه پوزه اسرائیل را به خاک بمالند و نتیجه مقاومت را لمس و کاری کنند که چندین کشور عربی با ارتش‌های منظم و یال و کوپال و ادعا نتوانسته بودند از عهده آن برآیند و جز خفت و ناامیدی دستاوردی نداشتند. جنگ ۸ روزه سال ۲۰۱۴ میخ آخر را به تابوت رؤیای شکست‌ناپذیری اسرائیل کوبید.

خیال خامی است اگر کسی در تحولات اساسی منطقه میان آمریکا و اسرائیل تفاوتی قائل باشد. پیروزی‌های چهارگانه رژیم اسرائیل در جنگ‌های قرن بیستم، پیروزی آمریکا نیز بود و اساساً با حمایت همه‌جانبه واشنگتن در ابعاد مختلف به‌دست آمد. اگر قرن بیستم قرن پیروزی‌های صهیونیسم و متحدانش بود، قرن بیست و یکم صحنه زوال و شکست آنهاست. علاوه‌بر آنچه گفته شد، محور عبری-عربی به طور مشخص در چهار جبهه شکست‌های مفتضحانه‌ای را پذیرا شده است؛ سوریه، عراق، یمن و بالاخره معامله قرن.

سوریه اولین و اصلی‌ترین این معرکه‌ها بود که برخی تحلیلگران به درستی از آن به عنوان جنگ جهانی کوچک یاد می‌کنند. آمریکا، اسرائیل، اروپا و برخی کشورهای مرتجع و وابسته منطقه به همراه ترکیه تمام سعی و تلاش خود را کردند تا سوریه را از زنجیره مقاومت حذف کنند. برنامه آنها از براندازی نظامی تا تجزیه سوریه با قوت و قدرت پیگیری شد و کار به جایی رسید که عده‌ای از سیاسیون در تهران می‌گفتند کار سوریه و بشار اسد تمام است و جمهوری اسلامی باید به فکر دوران پساسد باشد. اما این‌بار نیز مردانی از جنس مقاومت و ایمان صحنه تاریخ را تغییر دادند و باذن الله کاری کردند که روی کاغذ و با محاسبات معمول، ناممکن می‌نمود.

صحنه‌ای که قرار بود به حذف سوریه و شکستن کمر محور مقاومت تبدیل شود، برعکس شد و امروزه، اسرائیل با مخاطرات جدید و مرگباری روبه‌روست. حزب‌الله که تا آن روز فقط تجربه جنگ چریکی و در مقیاسی محدود را داشت، اینک به نیرویی تبدیل شده است که می‌تواند همزمان در چند جبهه دست به عملیات‌های بزرگ بزند. اسرائیلی‌ها بهتر از هرکسی می‌دانند که حزب‌الله پیش از جنگ سوریه و پس از آن تفاوت‌های عمده و تعیین‌کننده‌ای دارد. روی زمین هم نه‌تنها تهدید نظام سوریه برای اسرائیل تمام نشد -که شاید اساساً پیش از آن تهدید مستقیم و فوری نبود- بلکه جبهه‌ای جدید مقابل صهیونیست‌ها باز شد تا این رژیم جعلی بیش از پیش در محاصره قرار گیرد.

عراقی که قرار بود به سه کشور کوچک و ضعیف تجزیه شود محل تولد حشدالشعبی به عنوان بخشی از ارتش جهانی مقاومت شد. نیرویی که علاوه‌بر پاسداری از امنیت کشور و مردم خود می‌تواند به یاری سایر بلوک‌های مقاومت نیز شتافته و خود را به مرزهای سرزمین‌های اشغالی نیز برساند و در وقت لزوم به ماموریت خود عمل کند.

یمن نیز که گمان می‌رفت ضعیف‌ترین حلقه از محور مقاومت است و ظرف یکی دو هفته می‌توان نسخه‌اش را پیچید، با پایمردی و مجاهدت رزمندگان انصارالله نشان داد نه تنها چنین نیست بلکه شاید بتوان آن را یکی از قوی‌ترین و مستحکم‌ترین قطعات این زنجیره دانست. ضرباتی که مجاهدان یمنی در این سال‌ها به دوستان اسرائیل وارد کرده‌اند، چنان بی‌نظیر و خردکننده بوده است که حتی آمریکایی‌ها را نیز به عنوان سپر آل‌سعود، تحقیر کرده است. شکست خوردن از فقیرترین و مظلوم‌ترین مردمان منطقه، آخرین چیزی بود که آمریکا، اسرائیل و آل‌سعود گمانش را می‌کردند.

معامله قرن محصول این شکست‌هاست. نمایشی برای پوشاندن تحقیرها و سیلی‌های محکمی که برق از چشم جبهه مقابل ربوده است. پس باید حیله‌ای می‌ساختند. این توطئه، تنها نقاب را از صورت متحدان قدیمی صهیونیست‌ها در منطقه برداشت و با فرونشاندن غبارها، چهره دوستان و دشمنان واقعی فلسطین را آشکار کرد.

البته که این پیروزی‌ها و دستاوردهای تاریخی و بی‌نظیر بی‌هزینه نبوده است. چه بسیار مبارزانی که در این راه از جان خویش گذشتند و مرد اول میدان و سرسلسله آن مجاهدان راه حق و آزادی فلسطین کسی نیست جز حاج قاسم سلیمانی که حتی دشمنانش نیز اعتراف می‌کنند که او آینده غرب آسیا را رقم زد و وعده پیروزی نهایی را با خون خویش امضا کرد. شاخه‌های زیتون باشد برای ترسوها و آنانکه اهل ذلت‌اند. پرچم پیروزی در دستان ماست. به قول نبیل ابو عبدو، شاعر لبنانی؛

دریا و دشت و رودخانه برای ماست
و چگونه در برابر آتش، مذاکره و معامله کنم
مقاومت خواهم کرد

محمد صرفی

توافق بدون لغو کامل تحریم‌ها بدتر از برجام است

سرویس سیاسی-

آمریکا و اروپا در پی آن هستند تا از نیاز دولت به نتیجه مذاکرات وین، حداکثر امتیاز را کسب کرده و از اضطرار دولت روحانی در آستانه انتخابات، میوه‌های برجامی خود را بچینند.

با توجه به نزدیک بودن انتخابات ریاست جمهوری و نیاز مبرم دولت روحانی به ارائه کارنامه به مردم، شائبه تحرکات انتخاباتی دولت در وین روز به روز پررنگ‌تر می‌شود. در همین رابطه روزنامه زنجیره‌ای آرمان در روزهای گذشته تأکید کرده بود که «منتظر پاس گل انتخاباتی دولت از وین هستیم»!

قطعا اگر مذاکرات در وین به لغو تمامی تحریم‌ها منجر شود، اقدامی پسندیده و قابل تقدیر است. اما مجموعه اظهارات مقامات آمریکایی و اروپایی حکایت از آن دارد که طرف غربی هیچ تصمیمی‌برای لغو تحریم‌ها ندارد.

آمریکا با شراکت اروپا در پی آن است تا بدون لغو تحریم‌ها و بدون هیچ هزینه‌ای به برجام بازگشته و سپس دائمی‌کردن محدودیت‌های برجامی ایران و تعمیم برجام به توان موشکی و منطقه‌ای ایران را به‌عنوان مسئله اصلی در برجام جا بزنند.

ژان ایو لودریان، وزیر خارجه فرانسه در مصاحبه با گاردین گفت: «با توجه به در پیش بودن انتخابات ریاست‌جمهوری ایران، برنامه فشرده‌ای داریم». در هفته‌های گذشته نیز سفیر فرانسه در تهران در اظهارنظری مشابه گفته بود: «تلاش می‌کنیم برجام، قبل از انتخابات ایران احیا شود».

این اظهارنظر مقامات غربی حکایت از آن دارد که آمریکا و اروپا در پی آن هستند تا از نیاز دولت به نتیجه مذاکرات وین، حداکثر امتیاز را کسب کرده و از اضطرار دولت روحانی در آستانه انتخابات، میوه‌های برجامی خود را بچینند. یک مقام آمریکایی گفت احتمال بازگشت دوجانبه ایران و آمریکا به برجام طی هفته‌های آینده وجود دارد. این مقام آمریکایی با وجود این توپ را به زمین ایران انداخته و حصول توافق درخصوص برجام را به تصمیم‌گیری در تهران منوط کرده است. این مقام وزارت خارجه آمریکا که اشاره‌ای به نامش نشده در تماس تلفنی با خبرنگاران گفت: «آیا احتمال دارد که شاهد بازگشت دوجانبه به پایبندی برجام یا تفاهم دوجانبه در این خصوص طی چند هفته آتی باشیم؟ بله، ممکن است. آیا محتمل است؟ زمان پاسخ این سؤال را خواهد کرد چون همان‌طور که گفتیم این مسئله کاملاً به تصمیم‌های سیاسی که لازم است در ایران گرفته شود بستگی دارد».

وی در بخش دیگری از اظهاراتش تصریح کرد کاملاً محتمل است قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری ایران میان طرف‌ها درخصوص برجام توافق حاصل شود، اما باید منتظر گذشت زمان بود.

حفظ ساختار تحریم‌ها با امتیازات نمایشی

مقامات آمریکایی پیش از این صراحتا اعلام کرده‌اند که در پی آن هستند تا با ارائه امتیازات نمایشی به ایران، همزمان ساختار تحریم‌ها را حفظ کرده و بدون هزینه به برجام بازگردند.

نمایش مدنظر غرب، این است که اولا آمریکای عهد شکن بتواند مجدداً بدون پرداخت هزینه و خسارت‌های ایران، عضو برجام شود. در این صورت، آمریکا مجدداً «مکانیسم ماشه برجام» را برای فشار از طریق شورای امنیت، در اختیار خواهد گرفت.

ثانیا این نمایش، به انتخابات ایران برسد و بتواند تأثیر مطلوب غرب را بگذارد. در این میان نه خبری از لغو تحریم‌ها هست و نه خبری از گشایش اقتصادی برای مردم. مطالبه ایران این است که آمریکا به‌صورت عملی و دائمی، تحریم‌های کاتسا، آیسا، ویزا و سیسادا را لغو کند و ایران بتواند این موضوع را در ظرف زمانی لازم راستی آزمایی کند. اما طرف آمریکایی به هیچ عنوان حاضر به انجام چنین کاری نیست.

تکذیب آزادسازی دارایی‌های ایران

ند پرایس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گزارش شبکه خبری «سی‌ان‌ان» درباره اقدام آمریکا در ارزیابی آزادسازی یکجانبه ۱ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران به‌عنوان حُسن‌نیت را رد کرد.

وی در پیامی در توییتر نوشت: «گزارش‌هایی که اعلام کرده ما در حال ارزیابی آزادسازی دارایی‌های ایران به‌عنوان اقدامی یکجانبه هستیم، صحیح نمی‌باشد».

پرایس اضافه کرد: «همان‌طور که ما گفته‌ایم، هرگونه اقدام قابل توجه توسط آمریکا باید بخشی از روند اقداماتی باشد که دو طرف اتخاذ می‌کنند».

سی‌ان‌ان در گزارشی مدعی شده بود که دولت بایدن در حال ارزیابی آزادسازی ۱ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران بوده تا این کشور بتواند از این مبلغ برای کاربردهای بشردوستانه استفاده کند. سی‌ان‌ان که این موضوع را به نقل از سه نفر که در جریان مذاکرات هستند نقل کرده، خبر داد که این اقدام آمریکا با هدف نشان دادن حُسن‌نیت به تهران است.

این شبکه خبری آمریکایی اضافه کرد که این پول، به‌صورت نقد در اختیار ایران قرار نخواهد گرفت بلکه به کانال مالی سوئیس اختصاص خواهد یافت که از آن با نام‌ترتیبات تجاری بشردوستانه سوئیس یاد می‌شود.

آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا در گفت‌وگو با برنامه «امروز» شبکه چهار رادیو بی‌بی‌سی، با تکرار اتهام‌زنی به ایران تأکید کرد که ایالات متحده هنوز از تمایل ایران برای کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای‌اش اطمینان ندارد.

این دیپلمات آمریکایی با اشاره به مذاکرات «وین» درخصوص احیای برجام گفت: «ما به همراه شرکای اروپایی خود، روسیه و چین و بطور غیرمستقیم ایران در (مذاکرات) وین مشارکت داشته‌ایم. ما جدیت در هدف خود برای بازگشت به تعهدات برجامی را نشان داده‌ایم، مسئله‌ای که نمی‌دانیم این است که آیا ایران آمادگی دارد که همان تصمیمات مشابه را اتخاذ کند و به جلو پیش برود یا خیر».

آمریکا خواستار تخریب سانتریفیوژهای نسل جدید ایران

شبکه «پرس‌تی‌وی» در خبری فوری اعلام کرد در ادامه زیاده‌خواهی‌های طرف مقابل ایران در مذاکرات برجام، این‌بار آمریکا و اروپا خواستار تخریب سانتریفیوژهای نسل جدید ایران شده‌اند.

طبق این گزارش، آمریکا و اروپا در ازای توقف موقت برخی تحریم‌های برجامی، خواستار تخریب سانتریفیوژهای نسل‌های جدید IR-۹، IR-۶ و IR-۴ و... شده‌اند. این در حالی است که آمریکا هنوز حاضر به لغو تحریم‌ها و اجرای تعهدات خود طبق برجام هم نشده است.

به گزارش فارس، پرس‌تی‌وی مطلع شده است طرف آمریکایی و اروپایی در مذاکرات وین در پی تحمیل تعهدات جدید در زمینه هسته‌ای به جمهوری اسلامی ایران در ازای توقف موقت برخی تحریم‌های برجامی و نه لغو آنها شده‌اند که تخریب سانتریفیوژهای نسل جدید از جمله این درخواست‌های زیاده‌خواهانه جدید است.

طرح این موضوع در شرایطی صورت گرفته است که حتی طبق برجام و در صورت نهایی شدن توافق بازگشت دو طرف به برجام، این سانتریفیوژها نباید تخریب شوند و باید صرفا تحت نظر آژانس انبار شوند.

عراقچی: راه درازی در پیش داریم

عباس عراقچی معاون سیاسی وزیر امور خارجه گفت: در مسیری قرار گرفتیم که مسیر مشخصی است. حداقل درباره مسیری که باید برویم تفاهم وجود دارد. اگرچه موانع جدی در این مسیر هست، راه درازی را در پیش داریم و به هیچ وجه نمی‌شود زمانبندی را برای آن پیش‌بینی کرد. عراقچی که با خبرگزاری صدا و سیما گفت‌وگو می‌کرد، افزود: اگر بخواهیم وارد بحث زمانبندی شویم، غیرواقع‌بینانه است. البته تلاش داریم هرچه زودتر این کار انجام شود، با این حال تعجیل بی‌مورد نخواهیم کرد و تعجیلی که باعث کاهش دقت شود را نخواهیم کرد و اجازه فرسایشی شدن هم نخواهیم داد.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

قدرشو بدون!

گفت: دولت اعلام کرده که تحریم‌ها شکسته شده است!

گفتم: سال ۹۴ هم اعلام کردند که تمام تحریم‌ها بالمرّه لغو شده است، ولی نه فقط هیچ تحریمی لغو نشد، بلکه تحریم‌های فراوان دیگری هم اضافه شد!

گفت: تاکنون چندین‌بار از این قول‌ها داده‌اند که بعداً معلوم شد واقعیت نداشته است!

گفتم: چرا برای برجام که خسارت محض بوده، اینهمه دستاورد غیرواقعی می‌تراشند؟!

گفت: حافظه مردم را دستکم گرفته‌اند!

گفتم: شخصی هر چند وقت یکبار نزد یکی از عالمان دینی می‌رفت و با این تصور که ایشان دچار آلزایمر شده است، از او برای زایمان همسرش کمک مالی می‌گرفت! وقتی برای بار هشتم در عرض ۶ ماه مراجعه کرد، عالم مورد اشاره بعد از کمک مالی به او گفت؛ فلانی! قدر همسرت را بدان که در عرض ۶ ماه برایت ۸ فرزند آورده است!

سردار سلامی: با یک عملیات می‌توان اسرائیل را منهدم کرد

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: بزرگ‌ترین ضعف رژیم صهیونیستی این است که هر اقدام تاکتیکی می‌تواند یک شکست استراتژیک باشد، یعنی با یک عملیات می‌توان این رژیم را منهدم کرد.

سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری ابراز داشت: آن پیوستگی که در جبهه ائتلافی از شیاطین و مستکبران عالم می‌دیدیم در حال شکسته شدن است.

فرمانده کل سپاه خاطرنشان کرد: امروز آمریکا نمی‌تواند برای عربستان سعودی و نجات آن‌ها از یک شکست آشکار اقدامی را انجام دهد، خود آمریکا توانایی اعمال مداخلات مستقیم و یا غیرمستقیم به شکل گذشته را ندارد و کاملاً در حاشیه تحولات منطقه قرار گرفته است. آمریکا نمی‌تواند مانع شکست عربستان در مقابل مجاهدان یمنی شود و مجبور است که به‌تدریج منطقه را ترک کند. سرلشکر سلامی گفت: منطقه تحت تأثیر چنین شرایطی قرار دارد، موازنه قوا به طرز واضحی به نفع یمن در حال تغییر است و سعودی‌ها تحت ضربات بسیار مداوم قرار گرفته‌اند، هیچ‌یک از سامانه‌های پدافند هوایی و ضد موشک سعودی‌ها که همه آمریکایی هستند، قادر نیست از عملیات پهپادی یمنی‌ها جلوگیری کند. وی با بیان اینکه در سوریه یک تعادل سیاسی برقرار است و به سمت یک انتخابات در حرکت است، ادامه داد: جبهه مقاومت در سوریه با هیچ‌گونه افتی مواجه نشده است. در عراق هم یکپارچگی سیاسی برقرار است و جریانات مقاومت در عراق فعال هستند.

نفوذ ما اعتقادی و آرمانی است و دشمن فاقد چنین نفوذی است

فرمانده کل سپاه با تأکید بر اینکه دشمنان تصور می‌کردند بعد از شهادت حاج قاسم سلیمانی جبهه مقاومت تضعیف می‌شود در حالی که امروز شجره طیبه مقاومت در حال جواب دادن است، تصریح کرد: منطقه فعلی روند امنیتی آمریکا را سست می‌کند. نفوذ ما اعتقادی و آرمانی است و دشمن فاقد چنین نفوذی است. در لبنان، سوریه، عراق، یمن و افغانستان شاهد هستیم که شجره طیبه مقاومت اسلامی در حال جواب دادن است بنابراین منطقه، منطقه‌ای است که کاملاً روند حضور امنیتی آمریکا در آن سست شده است لذا نشان داده شده که نمی‌توان در این منطقه نیروهای خارجی را ایمپلنت کرد، یعنی هر نیروی بیگانه‌ای خارج از منطقه از دید مردم منطقه یک شیء خارجی تصور می‌شود و دیر یا زود بدون دستاوردی باید منطقه را ترک کنند.

صهیونیست‌ها مثل یک بادکنک خودشان را باد کردند

سرلشکر سلامی یادآور شد: سیستم صهیونیستی از درون دچار فروپاشی، تزلزل و ریزش شده است، آن‌ها سعی کردند ظرف یک سال و نیم گذشته از خودشان یک فیگور اقتدار نشان دهند یعنی مثل یک بادکنک خودشان را باد کردند.

پرده‌برداری از ضعف‌های اسرائیل

وی گفت: آنها آسیب‌های فوق‌العاده‌ای دارند، یکی دو ماه قبل تمام آسیب‌های رژیم صهیونیستی نشان داده شد، نشان داده شد که دریانوردی و کشتیرانی تجاری رژیم صهیونیستی در هر نقطه‌ای از عالم آسیب‌پذیر است، درحالی‌که ۹۰ درصد تجارت و بازرگانی این رژیم از طریق دریاست، زیرا هیچ مرز زمینی ندارد. فرمانده کل سپاه بیان داشت: هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که رژیم صهیونیستی چنین آسیب‌های بزرگی در عرصه تجارت دریایی داشته باشد، خیلی ساده می‌توان تجارت دریایی رژیم صهیونیستی را با اخلال جدی مواجه کرد. سرلشکر سلامی گفت: آن‌ها می‌خواستند نشان دهند که اصلاً سیستم امنیت ملی اسرائیل شکننده نیست، وقتی انفجار مهیب با آن قارچ بزرگ که شبیه انفجار هسته‌ای بود در کارخانه ساخت موتورهای پدافند هوایی صورت گرفت و آن کارخانه‌ای که ماهواره‌های رژیم صهیونیستی را می‌ساخت، به یک‌باره این بادکنک با یک سوزن تمام بادش خالی شد یعنی نشان داده شد که چقدر آسیب‌پذیر هستند و این یک دومینو بود.

بقیه در صفحه ۱۱

خبر ویژه

مدیران مقصر عذرخواهی کنند بی‌تدبیری‌ها ربطی به تحریم ندارد

سخنران سومین شب قدر در حرم امام رضا(ع) گفت: وارد کردن شوک به مردم و یک‌باره قیمت بنزین را بالا بردن، نوسان بورس و به خاک سیاه نشاندن عده‌ای از مردم که چنین خسارت جانی و مالی به آنان وارد آمده، چه ربطی به تحریم‌ها دارد؟

حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود عالی چهارشنبه شب در حرم مطهر رضوی افزود: کسانی که مسئولیت اجتماعی و مدیریت کلان دارند و با یک اشتباه و سوءمدیریت، ضرر جانی و مالی هنگفتی به مردم و نیز خسارت به نظام و اعتماد مردم می‌زنند، به مراتب گناه بیشتری دارند و باید عذرخواهی کنند.

وی اظهار داشت: چرا بعضی مسئولان عذرخواهی بلد نیستند؟ چرا برخی مسئولان احیانا وقتی خسارات و ضربه‌ای به اعتماد مردم می‌زنند، تقصیر را گردن تحریم و دشمن و دولت قبلی می‌اندازند. نه تنها این دولت، بلکه بعضا اینطوری است و گردن این و آن می‌اندازند و بهانه می‌آورند که اختیارات نداشتیم. بورس را درش نوسان درست کردن که بعضی‌ها گرفتار شدند، این تقصیر تحریم‌هاست؟ اینکه احیانا در مسئله مسکن، مسئله خودرو، در مسئله خصوصی‌سازی بعضی از کارخانه‌های بزرگ را به کسانی دادند که هیچ صلاحیتی نداشتند و آن کارخانه‌ها را به خاک سیاه نشاندند و تولید را زمین زدند - این مربوط به دشمن است؟ مربوط به تحریم‌هاست؟ خب چرا خطاهای خودشان را نمی‌آیند عذرخواهی بکنند؟

رئیسی، منتخب اول مردم در نظرسنجی خبرگزاری دولت

نظرسنجی خبرگزاری دولتی ایرنا نشان می‌دهد در میان ۱۳ نامزد محتمل انتخابات ریاست جمهوری، آیت‌الله رئیسی بیشترین رای را دارد

۵۳.۷ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی تلفنی خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، اعلام کرده‌اند مهم‌ترین منبع‌شان برای کسب خبرهای انتخاباتی، رسانه ملی(صدا و سیما) می‌باشد. ۳۰.۳ درصد هم از طریق شبکه‌های اجتماعی، اخبار انتخاباتی را پیگیری می‌کنند.

در این نظرسنجی، دیدگاه پاسخگویان درباره «مهمترین ویژگی‌های رئیس‌جمهور آینده» مورد سنجش قرار گرفت که مشارکت‌کنندگان به ترتیب مولفه‌های مردمی بودن، داشتن سابقه اجرایی قوی، داشتن برنامه و داشتن روحیه ضدفساد را در اولویت دانسته‌اند همچنین بیشترین تعداد شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی از رئیس‌جمهوری آینده انتظار دارند که وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم را بهبود بخشد.

نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد از میان ۱۳ گزینه محتمل برای کاندیداتوری (و از جمله آذری جهرمی، احمدی‌نژاد، جهانگیری، جلیلی، دهقان، رئیسی، رضایی، ظریف، قالیباف، لاریجانی، سعید محمد و محسن هاشمی)، «سید ابراهیم رئیسی» بیشترین رای را حائز است.

از سوی دیگر نتایج نشان داد، رای منفی پاسخگویان به «احمدی‌نژاد» و «جهانگیری» از همه گزینه‌ها بالاتر است و به ترتیب ۱۲.۸ درصد و ۱۲.۲ درصد افراد تاکید کرده‌اند که قطعا به این دو رای نمی‌دهند.

جامعه آماری این پژوهش را خانوارهای ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران تشکیل داده و از ۶۰۰ نفر نمونه آماری این نظرسنجی، ۵۰.۵ درصد را زنان و ۴۹.۵ درصد را مردان تشکیل داده است.

همچنین اغلب پاسخگویان در بازه سنی ۳۰ تا الی ۶۵ سال قرار داشته‌اند. ۳۴.۳ درصد پاسخگویان این نظرسنجی میزان تحصیلات خود را غیر دانشگاهی و ۲۳.۷درصد، دانشگاهی اعلام کرده‌اند.

این نظرسنجی به صورت تلفنی در نیمه نخست اردیبهشت ۱۴۰۰ خورشیدی انجام شده است.

دپوی کالاها در گمرک بردن گرانی سر سفره مردم!

همزمان با گرانی برخی کالاهای اساسی و اقلام مصرفی مردم، خبرها از دپوشدن حجم معتنابهی از این کالاها در گمرکات کشور حکایت می‌کند.

روزنامه دنیای اقتصاد اخیرا در گزارشی خاطرنشان کرد: قیمت برنج ایرانی ظرف یک سال، از ۲۵ هزار تومان به ۴۰ هزار تومان و قیمت برنج خارجی از ۱۰ هزار تومان به ۲۵ هزار تومان رسیده که افزایش‌های ۶۰ و ۱۵۰ درصدی را نشان می‌دهد.

این روزنامه همچنین می‌نویسد: بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از دلایل افزایش قیمت برنج، رسوب ۱۰۰ هزار تن برنج در بنادر و گمرک‌های کشور است.

در همین حال، معاون فنی گمرک خبر داده که ۳ میلیون تن کالای اساسی توسط ۵۰ واردکننده، در گمرک دپو شده است. جمال ارونقی به فارس گفته: بیش از ۷۴ درصد کالاهای اساسی مشمول ارز ترجیحی در بندر امام خمینی(ره) دپو شده که متعلق به ۵۰ واردکننده است.

بررسی‌های صورت پذیرفته موجودی شش قلم کالای اساسی مشمول ارز ترجیحی ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی شامل گندم، ذرت، جو، دانه‌های روغنی، کنجاله سویا و روغن خام در بنادر و گمرکات کشور معادل ۴ میلیون و ۱۵۴ هزار و ۹۸۰ تن برآورد شده است.»

معاون فنی گمرک ایران افزود: «موجودی کالاهای اساسی مشمول ارز ترجیحی موجود در بندر امام‌خمینی(ره) برابر با ۳ میلیون و ۸۹ هزار و ۵۸۵ تن بوده و به عبارت دیگر بیش از ۷۴ درصد کالاهای اساسی مشمول ارز ترجیحی در بندر امام خمینی(ره) دپو شده که متعلق به ۵۰ واردکننده است.»

یادآور می شود دپو شدن چند میلیون تن کالا در گمرکات مسبوق به سابقه است و عجیب این که بخش مهمی از این کالاهای دپوشده، ناگهان مقارن با روی کار آمدن جو بایدن در آمریکا، ترخیص شد! ظاهرا قرار بود ارتباط تغییرات سیاسی با کاهش قیمت کالاها در کشور را تداعی کند.

به نوشته روزنامه جوان، در زمستان ۹۹، دپو ۲۰۰ هزار تن برنج خارجی در گمرک که به ارز نسبتا ارزان ثبت سفارش و وارد کشور شده، اما بانک مرکزی به دلیل تغییر نرخ ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی به نیمایی (۲۶ هزار و ۵۰۰ تومان) باعث شد تا ترخیص این کالاها به مشکل بخورد. مشکلاتی که ناشی از عدم هماهنگی بین وزارت صمت، وزارت اقتصاد (گمرک) و بانک مرکزی بود.

احتمال می‌رود یک علت دپو شدن مجدد برخی کالاهای اساسی، فضاسازی برای مذاکرات و انتخابات پیش‌رو باشد.

دنیای اقتصاد: سیاست‌های دولت علت اصلی تورم در بازارهاست

یک روزنامه حامی دولت با انتقاد از سیاست‌گذاری غلط دولت، به کنایه نوشت: گویا از نگاه مسئولان دولتی، همه در وقوع مشکلات اقتصادی مقصرند، جز دولت!

دنیای اقتصاد می‌نویسد: جهش بورس باعث جهش دلار می‌شود یا جهش دلار باعث جهش بورس؟ جهش مسکن به‌دلیل جهش بورس اتفاق افتاد یا عامل دیگری در کار بود؟ بورس عامل تورم است یا سپر تورمی؟

اینها سوالاتی هست که در یک سال اخیر محل مجادله بین محافل اقتصادی مختلف بوده است. واقعیت آن است که جهش بازارهای دارایی اعم از سهام، مسکن و ارز بیش از آنکه تحت تاثیر یکدیگر باشند از عامل مشترک دیگری اثر می‌پذیرند که همان رشد بی‌ضابطه نقدینگی یا همان موتور تورم است.

آنچه باعث جهش بازارها در یک سال اخیر شده، شتاب گرفتن موتور نقدینگی بوده است که البته رشد بیشتر سهم بخش سیال آن نسبت به بخش غیرسیال (شبه‌پول) اثر تخریبی مضاعف آن را در پی داشته است.

موتور تورم که روشن شد، هیچ بازاری قادر به جلوگیری از ظهور آثار آن در قیمت کالاهای مختلف نخواهد بود. تنها کاری که می‌توان کرد این است که با اثرگذاری سیاستی روی ترکیب پول و شبه‌پول، ظهور کامل تبعات رشد نقدینگی را به تاخیر انداخت؛ اما نمی‌توان این آثار را ازبین برد. بنابراین هیچ بازاری نه می‌تواند عامل جهش بازارهای دیگر باشد و نه سپر یا ضربه‌گیر تورم. مثلا بازار مسکن در سال ۱۳۸۶ یکی از شدیدترین شوک‌ها را تجربه کرد؛ ولی باعث جهش سایر بازارها نشد و فقط متعاقب آن تعدادی از قیمت‌های نسبی مثل اجاره مسکن افزایش یافت. در مثالی دیگر می‌توان به بورس ونزوئلا اشاره کرد که در سال‌های اخیر جهش‌های خیره‌کننده‌ای داشته است؛ اما این جهش‌ها سپر تورم‌های افسانه‌ای ونزوئلا نشده است.

بر همین اساس، آنچه باعث جهش قیمتی بازارهای مختلف می‌شود که بعضا شکل اضافه‌پرش به خود می‌گیرد نه تحولات بازارهای دیگر که سیاست‌های اقتصادی دولت است. اگر دولت اصل بودجه متعادل (تعادل دخل و خرج) را رعایت نکند و کسری خود را به خزانه بانک مرکزی (خلق پول) تحمیل کند یا اگر نظام بانکی هزینه ناکارآمدی خود را به بانک مرکزی تحمیل کند، نتیجه هر دو وضعیت، روشن شدن موتور نقدینگی و به‌دنبال آن جهش سریالی بازارها خواهد بود.

نقشی که سیاست‌گذار می‌تواند ایفا کند آن است که از تبدیل جهش به اضافه‌پرش در یک بازار که معمولا به‌دلیل تخمین غیرواقعی از انتظارات تورمی اتفاق می‌افتد، پیشگیری کند و گرنه ریسک سقوط پسینی و ابرنوسان در کمین خواهد بود. یکی از بهترین شاخص‌ها درخصوص تشخیص جهش و اضافه‌پرش.

عملیات بازار باز بهترین ابزار برای پیشگیری از اضافه‌پرش بازارهاست و بزرگ‌ترین خطای سیاست‌گذار، غفلت از به‌کارگیری این ابزار در اوایل سال گذشته برای پیشگیری از ریسک ابرنوسان بوده است. به‌عبارت دقیق‌تر، سیاستگذاران اقتصادی چندین خطای پیاپی را مرتکب شده‌اند که ابتدا باعث جهش سپس اضافه‌پرش و متعاقبا ابرنوسان بازارها شدند؛ اما متاسفانه در بسیاری از تحلیل‌ها، خطاهای سیاست‌گذار نادیده گرفته شده و آدرس‌های غلط و القایی سیاستگذاران برجسته می‌شود.

نقد اشتباهات سیاست‌گذاران نه برای مچ‌گیری بلکه برای اصلاح و بهبود کیفیت سیاستگذاری ضروری است و این، تنها راه نجات مهم‌ترین بازار کشور یعنی بورس است. البته آب رفته را نمی‌توان به جو برگرداند؛ اما می‌توان چرخه اشتباهات را که باعث زمین‌گیر شدن بورس شده است، متوقف کرد. هدایت جریان پولی کشور به بورس (در ابعادی فراتر از بازار ثانویه) منوط به جذاب‌سازی بورس همزمان با حذف جذابیت‌های گمراه‌کننده